

کسی با شنیدن واقعبیت‌های تحریم مشکلی ندارد اما...

# واقعبیت‌های مذاکرات را هم بگویید

این دلیل است که خیلی‌ها به‌ویژه کارشناسان سیاست خارجی در داخل و حتی برخی در خارج، معتقد بودند مدل مذاکراتی که باعث پدید آمدن برجام شده، دارای نواقص بسیار زیادی بوده که توافق نهایی را سست و یک طرفه به سود غربی‌ها کرده است. با گفته‌نماندن نکته نافی سخن گفتن با مردم یا در میان گذاشتن اثرات تحریم با آنها نیست، بلکه مطالبه این است که اگر در یک مورد با مردم سخن گفته می‌شود، در مورد مسائل دیگر هم مردم محرم دانسته شوند و با آنها تعامل صورت پذیرد. از این‌رو برای تکمیل گفت‌وگوی دولت‌مردان و رسانه‌های حامی آنها با مردم درباره اثرات تحریم که بی‌جاست و باید هم گفته شود، ما هم بخشی از اثرات مذاکره و نتایج خوش‌بینی به آمریکا را از همین مسیر در ادامه ذکر خواهیم کرد.

دارند. از این‌رو سوال اصلی مردم این است که اگر می‌خواهید توضیح دهید و با مردم حرف بزنید چرا در مورد بنزین این‌گونه رفتار کردید و حالا چه شده است که بعد از این همه وقت و اقدام، یک‌باره به یاد حرف‌زدن با مردم آن هم در مورد تاثیرات تحریم‌ها افتاده‌اید؟

**دو** **خیلی‌ها** در مورد موضوعی هم که دولت‌مردان تصمیم گرفته‌اند با مردم سخن بگویند، سوال دارند. برای مثال از دولت می‌پرسند در مورد وعده‌های انتخاباتی چرا اظهار نظر نمی‌کنید و گزارش ۱۰۰ روزه‌ای را که قرار بود از سال ۹۲ در مورد عملکرد دولت به مردم ارائه دهید، نمی‌گیرید؟ یا اینکه مثلاً چنانچه می‌گویید اثرات مذاکره برای کشور چه بوده و چه دستاوردهایی مدل و الگوی مذاکراتی دولت یازدهم و دوازدهم برای کشور داشته است؟ این سوال هم از پایه‌ی بنا به

داده است. در مورد این مساله چند نکته وجود دارد.

**اول** اینکه دولت و حامیان آن از سخن گفتن با مردم می‌گویند اتفاقا مساله بسیار مهمی است، نه اینکه مطالبه آنها باشد، بلکه مطالبه ۶ ساله مردمی است که از دولت توضیحی در مورد اقداماتش می‌خواهند اما پاسخی نمی‌گیرند. این خواسته اجابت نشده البته صرفاً برای مردم نیست، چرا که رسانه‌ها هم با برگزاری یکی، دو نشست خبری در دوران دولت دوازدهم جزء کسانی هستند که از دولت توضیح می‌خواهند ولی پاسخی نمی‌گیرند. اگر بخوایم مثال عینی بزنیم، باید از همین ماجرای بنزین بگوییم، جایی که دولت نشان داد اساساً اعتقادی به سخن گفتن با مردم و افتخار افکار عمومی ندارد و احتمالاً گمان می‌کند باشوک، جامعه بهتر اداره می‌شود و مردم احساس خوشایندتری

چند وقتی است که اعضای دولت و فعالان سیاسی-رسانه‌ای نزدیک به آن می‌گویند باید با مردم سخن گفت و نتایج و تاثیرات تحریم‌ها را برای آنها توضیح داد؛ از اسحاق جهانگیری و علی ربیعی که از سخنرانی‌های مختلف گرفته تا یادداشت‌های پی‌درپی در روزنامه ایران از این موضوع می‌گویند و می‌نویسند تا مصطفی هاشمی و صادق زیباکلام که در حال حمایت از ایده دولت در این ماجرا هستند. برای مثال اسحاق جهانگیری در بیان واقعبیت تحریم چندین‌بار پیش از اینکه حتی دوستان ایران هم جرات نمی‌کنند، از ایران نفت بخرند سخن گفت و توضیح داد همه گل‌گاه‌های اقتصادی کشور بسته شده است. البته روز گذشته علی ربیعی در نشست که با رسانه‌ها داشت، گفت: «اکنون با نوع تازه‌ای از جنگ و تحریم مواجه هستیم که کل ایران را در معرض حصر و اشغالگری قرار

## چند پرده از مذاکرات به روایت وندی شرمن

ماجرای کوتاه آمدن آمریکا در مقابل غنی‌سازی

پس از احوال‌پرسی به شکل گروهی به طبقه بالا رفتیم و بیشتر آن روز گرم را در بالکن طبقه دوم ویلا به مذاکره نشستیم. ایرانی‌ها پافشاری می‌کردند غنی‌سازی برای مصارف غیرنظامی و صلح‌آمیز، حق ذاتی آنها به‌عنوان دولتی مستقل بود و هیچ عهدنامه‌ای را نقض نمی‌ساخت. حالا رئیس‌جمهور اواما که انتخاب روحانی به ریاست جمهوری را فرصتی می‌دید، تصمیم گرفت در مسیر مذاکرات محرمانه تغییر عمده‌ای ایجاد کند. او مطرح کرد حاضر است حداقل به پذیرش میزان محدودی از غنی‌سازی فکر کند به شرطی که به‌طور جدی تحت نظارت و تاییدشدنی باشد. در واقع ما امتیاز خاصی نمی‌دادیم. ایران در همان زمان هم کاملاً در دانش غنی‌سازی اورانیوم خبره بود. آنها به ذخیره خود هر روز می‌افزودند، چه ما می‌خواستیم آن را به رسمیت بپذیریم و چه نپذیریم. اگر ما به تاسیساتشان حمله می‌کردیم، آنها دوباره می‌ساختند و احتمالاً این بار در زیر زمین و مانعی نتوانستیم با بمب، دانش‌شان را از بین ببریم. پافشاری بر موضع غنی‌سازی صفر باعث می‌شد شش‌گای اروپایی کلافه شوند و در اعمال تحریم‌هایشان تعلل کنند. همچنین به ایران فرصت می‌داد تا آمریکا را به‌عنوان طرف آشتی‌ناپذیر معرفی کند. در عوض، این پیشهاد جدید به ما اجازه می‌داد بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران مسلط شویم و در عین حال اجازه می‌داد ایران بگوید توانسته در برابر جهان مقاومت کند و برنامه هسته‌ای غیرنظامی‌اش را نگه دارد.

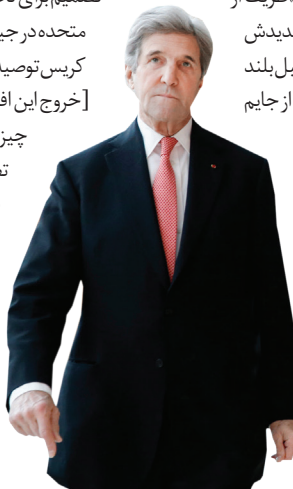
توثیق روحانی دست ایران را رو کرد

هنگامی که کری و لاوروف داشتند حرف می‌زدند، جواد ظریف با چهره‌ای خسته و محتاط وارد اتاق شد. بحثی بین آنها شروع شد. بمنظر ما در آن موقع دیگر هیچ چیزی بر سر راه تکمیل توافق وجود نداشت. ما فقط منتظر جواب مثبت ظریف بودیم. هر وقت ما برای گرفتن جواب نهایی به او نزدیک می‌شدیم، انگار حالش متغلب می‌شد و موضوع را عوض می‌کرد. مشخص شد او در یک جلسه شلوغ که همه وزرا حاضر هستند و همه معاونان نظارت دارند، هرگز پاسخ نهایی را نخواهد داد. من پیشنهاد دادم جلسه خلوتی با حضور چهار مقام اصلی (کری، لاوروف، موگرینی و ظریف) برگزار شود تا بشود به نتیجه نهایی رسید و البته در دقایق پایانی، لحظات دراماتیکی پیش آمد؛ وقتی کری و موگرینی تلاش می‌کردند در سوئیت کری کار را نهایی کنند، لاوروف نه برای اولین بار، به ظریف طعنه زد که آیا اصلاً ظریف اجازه لازم را برای بستن توافق دارد؟ پاسخ ظریف این بود که به چیز بیشتری نیاز دارد. سپس ناگهان به سمت در حرکت کرد. کری با استفاده از مصابیح جلوی در را گرفت و از ظریف خواست که بماند. ظریف باید متوجه می‌شد که حرف لاوروف کلافگی همه ما را از این وضع نشان می‌داد. با این حال، آن لحظه مفید بود زیرا آنچه ما می‌خواستیم را واضح ساخت. دیگر برای ظریف وقت و راه فراری باقی نمانده بود. ولی هنوز کار تمام نشده بود. کری با عصبی زیربغلش ناگهان به اتاقی که ما در آن جمع شده بودیم آمد و گفت ظریف به چیز دیگری نیاز دارد؛ برای ما منظور این حرف آشنا بود. من صبرم تمام شده بود و در مورد چنین چیزی مقاومت کردم. یک روز قبل روحانی، رئیس‌جمهور ایران، توثیقی زده بود به این مضمون که توافق تقریباً آماده است. با آنکه او خیلی سریع



## آخرین کارت بازی آمریکا

هر روز می‌گذشت اما ظریف هنوز قادر نبود خودش را به جایی برساند که به لغویت. عصر ۱۳ جولای که هفدهمین شب حضور مادر وین بود ظریف، لاوروف، فدریکاموگرینی، مسئول جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ریابا اناق آمریکا در کوپربگ دعوت کردم. با یاهای درب و داغانم که روی یک صندلی گذاشته شده بود، نشستیم و در مورد اشتیاق به حرف‌های ظریف گوش می‌کردیم که داشت دلایل خودش را درباره اینکه چرا توافقی که مادر حال حرکت به سمتش بودیم به‌اندازه کافی برای ایران خوب نبود را یکی یکی علامت می‌زد. نزدیک‌های نیمه‌شب، لاوروف که قصد داشت روز بعد عازم ازبکستان شود حرف‌هایش را قطع کرد و گفت: «جواد، شاید مساله این است که اصلاً اختیار توافق کردن را ندارای؟ اگر این طور است، به ما بگو. داری وقت‌مان را تلف می‌کنی.» ظریف از حرف‌های تحریک‌آمیز لاوروف شگمگین شد. مخالفت شدیدش باطعن لاوروف را این‌طور نشان داد که با عصبانیت از روی میز بلند شد و به سمت در رفت. با حد اکثر سرعتی که می‌توانستم از جایم پریدم و تلوتلو خوران با عصایم به سمتش دویدم تا جلوش را بگیرم. در حالی که تلاش می‌کردم ظریف را آرام کنم، به او گفتم: «این را می‌دانم که سرگشتی نمی‌خواست به‌تو توهین کند. ساعت‌های سخت‌وطلوئی‌را صرف این کار کرده‌ایم و حالا قبلاً در کاست که نتشس ها او ج گرفته‌اند. ما تصور نمی‌کنیم کار دیگری باشد که بتوانیم انجام دهیم. توافق، اینجاست. لحظه حقیقت فرارسیده، می‌خواهی آن را بپذیری یا رد می‌کنی؟ بعد از چند لحظه، ادعان کرد آمه پذیرفتن توافق است فقط از میان چندین موردی که مطالبه کرده بود. یک چیز



دیگر می‌خواست تا توافق را از دیدگاه خودش منصفانه کند. با سرعت هرچه تمام‌تر به اتاق بغلی رفتم. رابرت مالی از شورای امنیت ملی [آمریکا] جان فاینر و وندی شرمن در آنجا منتظر تازه‌ترین خبرها بودند. «چیزی پیدا کنید که بدون هزینه‌تراشی برای ما و بدون اینکه درهای در مسائل اساسی تغییر ایجاد شود باعث شود (ظریف) بتواند مشکلات را پشت‌سر بگذارد. تنها مانعی که الان وجود دارد همین است. نظری دارید؟» کریس یک‌مبار، کارشناس مسائل تحریمی ما با احتیاط شروع به صحبت کردن کرد و گفت: «یک چیزی هست... خزانه‌داری آمریکا از قبل آماده شده بود نام ۱۲ نفر از کسانی که در فهرست ایرانی‌های تحت تحریم قرار داشتند از این فهرست خارج کند. ما آن موقع از این تصمیم برای اطلاعاتی مثل حال صرف نظر کردیم و این کارتی بود که ایالات متحده در حیب عقب ما گذاشته بود. حالا وقتش بود که آن را بازی کنیم. کریس توصیه کرد: «اینها آدم‌های چندان اثرگذاری نیستند. ممکن است [خروج این افراد از فهرست تحریم‌ها] کافی نباشد... اما من می‌دانستم چیزی که اهمیت داشت رست این مساله و احترام گذاشتن به تصمیم‌های سختی بود که ایرانی‌ها گرفته بودند. عصایم را قاپدیم و به سمت در رفتم. دوباره وارد اتاقی شدم که سرگشتی و جواد در آن نشسته بودند. به جواد گفتم ما می‌خواهیم برای اینکه کار را به خاتمه برسانیم، یک گام دیگر برداریم. فهرست اسامی را که آماده بودیم آنها را از تحریم‌ها خارج کنیم، به او دادم و پرسیدم: «توافق تمام است؟» بعد از آنکه با هم دست دادیم، به اتاقم برگشتم و در آنجا رئیس‌جمهور تماس گرفتم تا خبر راه او برسانم. توافقی را که می‌خواستیم به دست آورده بودیم.»

## تکنیک عجیب طولانی شدن فرآیند رفع تحریم

در فاصله ۱۶ تا ۲۳ تیرماه ۹۴، یعنی هفته پایانی مذاکرات پیچیده و فشرده در وین میان ایران و کشورهای ۵+۱، رسانه‌ها هزل محل مذاکرات اعلام ایجادیک بن‌بست را در گفت‌وگوها مخابره می‌کردند. مثلاً خبرگزاری رویترز در ۲۰ تیرماه گزارش داد: «طرف‌های مذاکره بر سر موضوعاتی از جمله تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل متحد ضد ایران که غربی‌ها خواهان باقی‌ماندن آن هستند، اختلاف دارند.» اما در نهایت ۲۳ تیرماه برجام به امضا رسید. اما اصل ماجرای آن چندروز نفسگیر و ماهیت‌بن‌بست آن چندروز، بعد‌ها در اظهارات برخی سیاستمداران روسی مشخص شد. چند روز بعد از حصول این توافق، سرگتسی لاوروف در مصاحبه‌ای پرده‌از راز آن بن‌بست چندروزه در مذاکرات برداشت. او در مصاحبه‌ای گفت: «ما چین می‌خواستیم تحریم‌های تسلیحاتی لغو شود، اما به‌غم حمایت ما، خود تیم ایرانی موافقت کردند که تحریم‌ها تا پنج‌سال ادامه یابد! در نهایت همکاران ایرانی ما که طبیعتاً در این مورد تصمیم‌گیرنده اصلی بودند، موافقت کردند که در این مورد معامله کنند. طبیعتاً ما چین با توجه به اینکه ایران با آن موافق بود، از آن حمایت کردیم. در این دوره، تسلیحاتی که به ایران داده می‌شود

باید تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل باشد. «حدود یک‌سال بعد سرگتسی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه و مذاکره‌کننده ارشد روسیه در توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵، در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم گفت: «این موضوعی پنهان نیست و سره‌سپه‌ی مذاکرات هسته‌ای حامی رفع تحریم‌های تسلیحاتی ایران در زودترین موعد ممکن بود، ما حتی در مقاطعی پیشنهادهایی را تدوین کردیم که براساس آن تحریم تسلیحاتی یک‌ماه پس از اجرای برجام رفع شود، اما نتیجه متفاوت بود. در دی ماه ۹۵ وندی شرمن، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا در مذاکرات هسته‌ای با ایران، در مصاحبه‌ای با پروژه «راشا مترز» در دانشگاه هاروارد گفت: «یکی از نقاط واگرایی و اختلاف ما و روس‌ها که البته در اواخر مذاکرات روی میز گذاشته شد قطعاً همان سازمان ملل در خصوص تحریم‌موشکی و تسلیحاتی بود. روسیه معتقد بود نباید هیچ محدودیتی روی موشک و تسلیحات باشد. آنها هیچ محدودیتی روی موشک‌های خودشان نمی‌خواستند و البته فکر می‌کردند چنین محدودیتی نباید بر ایرانیان هم اعمال شود. نهایتاً بر سر این موضوع مصالحه کردیم.»

## توهم عدم همراهی کشورها با تحریم

«شما می‌دانید که آقای اواما ۱۸ دیگه رئیس‌جمهوری آمریکا نخواهند بود. برآوردی که خیلی از دوستان داخل کشور دارند این است که در این ۱۸ ماه ما مشکلی از طرف آمریکا نخواهیم داشت اما همان‌طور که می‌دانید این توافق مخالفان جدی دارد و اکثر کاندیداهای ریاست‌جمهوری در آمریکا اعلام کرده‌اند در اولین روز ریاست‌جمهوری‌شان این توافق را می‌خواهند لغو کنند. این سوال را از آقای کری هفته پیش در کمیسیون روابط خارجی کمیسیون مجلس نمایندگان پرسیدند که آیا رئیس‌جمهور بعدی ملزم به اجرای این توافق است؟ جواب آقای کری منفی بود که نه، ملزم نیست.» این عبارت بخشی از سسوال البته هشدار مهم و چندباره فواد ایزدی به اعضای تیم وزارت امور خارجه بود که چرا پیش‌بینی آینده را نکرده‌اید؟ اگر رئیس‌جمهور بعدی آمریکا زیر توافق زد آنگاه چه خواهید کرد و چه واکنشی خواهید داشت؟ ایزدی در تکمله سوالش پای الزام حقوقی برجام را هم به میان کشید و با اشاره به گفته‌های کری مبنی بر اینکه توافق با ایران از نظر حقوقی الزام‌آور نیست، پرسید جایگزین قطعنامه آیا ما مکانیسم دیگری داریم که الزام حقوقی برای طرف مقابل جهت انجام تعهداتش ایجاد کند؟ به گفته این استاد دانشگاه، ما زمانی مکانیسمی داریم که طرف مقابل به تعهدات خود عمل نمی‌کند که ما به همه تعهدات عمل کرده‌ایم و از آنسواستی آزمایشی کرده است. آیا زمانی که طرف مقابل باید این کار را انجام دهد، مکانیسم حقوقی وجود دارد؟ پاسخ ظریف به این سوال روشن و البته تامل‌برانگیز بود.

او الزام حقوقی طرف مقابل را برای انجام تعهدات، چندجانبه بودن توافق و تایید آن از سوی شورای امنیت دانست. وزیر امور خارجه با اشاره به قطعنامه شورای امنیت در این باره به مقایسه تحریم‌های آمریکا در دهه ۹۰- که آمریکا در اوج اقتدار بود- و تحریم‌های این کشور در سال‌های اخیر و نیز بی‌اثر بودن آنها در مقابل تاثیرگذاری تحریم‌های اخیر پرداخت و گفت دلیل آن بود که تحریم‌های سال‌های اخیر بارشده بر یک مبنای مقبولیت بین‌المللی، براساس امنیتی‌سازی ایران و ایران‌هراسی است. ظریف با بیان آنکه اوایمانه از سر علاقه که چاره‌ای ندارد برجام را بپذیرد، گفت: «آمریکان می‌توانند برای مخالفت با برجام، شورای امنیت را با خود همراه سازد و حتی اگر رئیس‌جمهور آمریکا بخواهد تحریم‌ها را با یک انضا برگرداند، کسی در دنیا این تحریم‌ها را اجرا نمی‌کند.»

ظریف موضوع «تعلیق» را هم رد کرد و علت نگرانی منتقدان را آن دانست که اسنپ‌ک را در نظر می‌گیرند. او با بیان آنکه ما هم توان بازگشت داریم، ادامه داد: «اگر شما می‌گویید آمریکا یک‌شبه می‌تواند بازگشت انجام دهد ما هم یک‌شبه می‌توانیم بازگشت انجام دهیم به‌خاطر اینکه بازگشت ما با یک سری پیچ‌ومهره است، ضمن اینکه ما داریم برنامه تحقیق و توسعه‌مان را پیش می‌بریم با بالاترین سانتریفیوژ. «آن‌طور که ظریف متوجه شده بود «تعلیق» فاقد موضوعیت است.

## مکانیسم ماشه، ایراد بزرگ برجام

مکانیسم داوری در برجام بارها و دقیقاً از زمانی که هنوز این توافق اجرایی نشده بود، از سوی کارشناسان مورد انتقاد قرار گرفت و گفته شد ایران به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند شکایات خود را به‌تحو موثری پیگیری کند و به نتیجه برساند. در گزارش کمیسیون مشترک برجام هم به‌صراحت این مساله ذکر شد و آمد: «مکانیسم‌های داوری به‌طور کاملاً واضح و عامدانه بر ضد ایران تنظیم شده و این مکانیسم‌ها عملاً برای ایران غیرقابل‌مراجعه است. ایران در هیچ مراجعه‌ای به این مکانیسم‌ها برنده نخواهد بود، بنابراین عملاً نمی‌تواند به هیچ نقض کلی یا جزئی از سوی ۵+۱ به‌تحو واکنش نشان دهد که منجر به برهم‌خوردن توافق نشود.» با این حال اما هیچ توضیحی به ایرادات ابرام‌های ۳۶ و ۳۷ برجام نشد و مکانیسمی که بعداً به‌نام «ماشه» معروف شد، از جانب ایران مورد پذیرش قرار گرفت. در این مکانیسم کشورهای ۵+۱ می‌توانند به‌سرعت و تنها ظرف مدت دو، سه‌ماه برجام را خاتمه دهند، یعنی نسبت به برجام و تعهدات ایران اعتراض کنند و حتی بدون داشتن استدلال کافی، کار را به شورای امنیت بکشانند و با کنار زدن حق وتوی اعضا، برجام را فروریخته و ۶ قطعنامه قبلی را احیا کنند. طبعاً در این مکانیسم دست ایران نیز به‌جایی بند نیست، یعنی اگر ایران نسبت به اجرای تعهدات طرف مقابل اعتراض داشته باشد تنها می‌تواند اعتراض خود را به جلسه کمیسیون مشترک و سپس نشست وزرا برسد و اگر نتواند از این دو که به‌واقع هیچ‌ا‌هرم فشاری منتقدان نتیجه لازم را کسب کند، می‌تواند درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت را داشته باشد و اگر آنجا هم مشکل حل نشد، نتیجه خاتمه برجام و احیای ۶ قطعنامه قبلی به‌صورت اتوماتیک خواهد بود.

## تضمین به موگرینی و ذبح منافع اقتصادی برجام

وقتی که آمریکا بنا داشت از برجام خارج شود، در ایران نیز تهدیدهای مشابهی می‌شد که احتمالاً مقابله‌به‌مثل ایران در صورت ترک برجام از سوی ترامپ را افزایش می‌داد. در آن برهه یعنی فروردین و اردیبهشت سال ۹۷، اروپایی‌ها که احتمال می‌دادند بلافاصله بعد از خروج آمریکا از برجام، از جانب تهران اقدام مشابهی صورت گیرد، پیشنهادهایی را روی میز ایران قرار دادند تا در صورت خروج ترامپ از توافق هسته‌ای، ایران با استفاده از این مزایای جدید اروپا قبول کند که در برجام باقی بماند. در آن برهه اروپایی‌ها گفته بودند جبران خسارت خروج آمریکا برای ایران را خواهند کرد و منافع اقتصادی ایران را با همکاری‌های تامین می‌کنند. اتحادیه اروپا همان زمان به ایران قول همکاری در خرید نفت را داد و برای این کار حتی ۱۰ پالایشگاه متناسب با نفت ایران را در کشورهای چون ایتالیا، یونان، اسپانیا و پرتغال در نظر گرفت و وعده کرد این پالایشگاه‌ها در دوران تحریم به خرید نفت از ایران ادامه خواهند داد تا از این مسیر بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه صادرات نفت ایران جبران شود. بسا وجود این اما اروپایی‌ها از انجام این تعهد خود به بهانه‌های مختلف سرسبز زدند و هرگز آن را محقق نکردند. درباره چرایی این ماجرا واقعبیت قدری متفاوت است و مسائل پیچیده‌تری وجود دارد که لازم است ارزیابی شوند. توضیح اینکه دقت در اظهارنظرها و کنش‌های سیاسی آن روزها گره‌گشای اصلی این ماجراست. اگر خاطراتمان باشد در آن زمان خبرهایی آمد که حسن روحانی به فدریکا موگرینی، مسئول هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا تضمین داده که در صورت خروج آمریکا از برجام، ایران بازم در این توافق باقی خواهد ماند و از آن خارج نمی‌شود، تضمین که در داخل کشور به‌شدت مورد نقد قرار گرفت و کارشناسان حتی گفتند خروج سریع ترامپ بعد از این اتفاق صورت گرفته است و به‌اصطلاح باعث باز شدن مشت ایران در مقابل طرف غربی شده است. حالا باید بگوییم که ماجرای ۱۰ پالایشگاه هم مشابه همین تحلیل است و باید علت اصلی اجرایی نشدن آن وعده را در همین تضمین به موگرینی در خصوص عدم خروج ایران از برجام با وجود خروج آمریکا دید، همان چیزی که در داخل برای افتخار افکار عمومی صبر استراتژیک و راهبردی خوانده شد در صورتی که تنها نامی که می‌توان بر آن گذاشت «منتظر نشستن و نگاه کردن» بود.